



# درآمدی بر نداها و خطاب های قرآن

اسماعیل نساجی زواره  
دبیر دبیرستان های منطقه ی زواره، اصفهان

## آغازین سخن

قرآن کریم کتابی است جهانی که به منظور هدایت تمام انسان ها از سوی خداوند عالی و حکیم بر پیامبر هادی و امین (ص) نازل شده است و به گونه ای با مردم سخن می گوید که همگان از فهم آن بهره و نصیبی دارند.

پروردگار سبحان، به منظور جذب تمام انسان های که در پهنه ی زمین و گستره ی زمان به سر

می برند، آن را کتابی آسان و قابل فهم برای همگان معرفی می کند: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ

مِنْ مُدْكَرٍ» [قمر: ۱۷]: ما قرآن را برای تذکر دادن آسان قرار دادیم. آیا کسی هست که متذکر

شود؟! و این آسانی به دلیل گویایی عبارات و آشنا بودن پیام آن با زبان فطرت و دل است. سخنی

استوار و پرمغز است، ولی در عین حال فهمیدن و بهره مندی از آن برای همگان آسان است.

این کتاب به منظور استفاده ی همگانی از رهنمودهایش و درک حقایقش، در بیان مفاهیم و

معانی بلند خود، شیوه های خاصی را به کار برده است و با قالب ها و شکل های متنوعی، با مردم

ارتباط معنوی برقرار می کند.

یکی از شیوه ها این است که پیش از بیان مطلب، مخاطب خود را ندا می دهد و از او نام

می برد. معلوم است که این روش از نظر روانی تأثیر زیادی بر مخاطب دارد و او را به اندیشیدن و

تفکر در محتوای خطاب و مطلب ارائه شده، وادار می سازد.

این موضوع در علوم تربیتی و روان شناسی روشن شده است که وقتی متکلم نام مخاطب را

به صورت خطاب و ندا بیان کند، توجه مخاطب یا شنونده به سخن گوینده جلب می شود و او را

از حواس پرتی و بی توجهی به سخن نجات می دهد. به هر حال، ذکر نام یا صفت شنونده در



دوره ی پنجم شماره ۲ اوستان ۱۳۸۶

نمی تواند جدی و از روی حقیقت باشد. پس ندای بی واسطه‌ی «یا ایها الناس»، نشانه‌ی رابطه‌ی ناگسسته‌ی عبد و مولاست و تا از طرف انسان این رابطه قطع یا ضعیف نشود، از طرف خداوند هم چنان پابرجاست [جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۲، ص ۳۵۸-۳۵۷، ۱۳۷۸].

هر ندا و خطابی به اندازه‌ی دید منادی و مخاطب وسعت دارد و منادی گاهی انسان است که با چشم ظاهر، تنها حاضران را می بیند و به آنان خطاب می کند، و گاهی خداوند سبحان است که انسان‌های آینده را می بیند و به آنان خطاب می کند.

حضرت علی (ع) می فرماید: خداوند پیش از تحقق معلوم، عالم بوده است: «عالم از لامعلوم» [نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۵۲]: عالم بود، آن گاه که معلومی وجود نداشت.

از آن جا که همه‌ی انسان‌های کنونی و آینده مشهود خداوند هستند، ندا‌های قرآنی همه‌ی آنان را دربر می گیرد. خطاب «یا ایها الناس»، مانند خطاب‌های عادی نیست، بلکه دعوتی است همگانی که شامل مؤمنان، کافران، منافقان، اهل کتاب و ملحدان نیز می شود؛ ولی بعد خطاب متفاوت است [جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۲، ص ۳۵۹، ۱۳۷۸].

### مراتب خطاب

خطاب‌های قرآنی دارای اوج و حضیض و نیز دارای مراتب متوسط است. پایین ترین آن تعبیر «یا ایها الناس» است [جوادی آملی، تفسیر موضوعی...، ج ۱، ص ۲۵۵، ۱۳۷۸] که در قرآن حدود ۲۰ بار تکرار شده و یک خطاب جامع و عمومی است و نشان می دهد که قرآن مخصوص نژاد، قبیله و قشر خاصی نیست، بلکه همگان را در این دعوت شرکت می دهد [مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۱۱۷، ۱۳۶۶].

در منطق قرآن، وقتی مخاطبان توده‌ی مردم هستند، خداوند ربوبیت خویش را در قالب ذکر نعمت‌های مادی و ظاهری بیان می کند؛ نعمت‌هایی که حیوانات نیز با انسان در بهره‌برداری از آن شریک‌اند

سخن گوینده، یکی از روش‌های جلب توجه اوست. در قرآن کریم که در برگیرنده‌ی احکام و دستورات کامل ترین دین الهی است، شیوه‌ی بیان احکام و حکم به صورت خطاب است و بهترین و زیاترین شاهد این موضوع، وجود ندا‌های فراوان در قرآن کریم است. برخلاف کتاب‌های علمی، فلسفی و یا قانونی که مسائل و مضامین آن‌ها به صورت عبارات و گزارش‌های خبری بیان می شود، در بسیاری از آیات قرآن خطاب‌هایی مانند: «یا ایها الذین آمنوا»، «یا ایها الناس»، «یا ایها الرسول»، «یا عباد» و... یافت می شود. در قرآن کریم اگرچه بسیاری از مفاهیم، احکام و داستان‌ها به صورت قضیه و خبر بیان می شوند، ولی روح آن‌ها انشا و خطاب است، نه گزارش.

### کیفیت خطاب و وسعت آن

ندا‌های الهی در قرآن گاهی با واسطه‌اند، مانند: «قل یا ایها الکافرون» [کافرون: ۱]: بگو: ای کافران! که خداوند، پیامبر اکرم (ص) را مخاطب و واسطه‌ی میان کلام خود و کفار قرار داده است و پیام خود را از طریق آن حضرت (ص) به مردم می رساند. گاهی نیز بدون واسطه است، مانند: «... یا موسی... لا تخف آتی لا یخاف لَدی المرسلون» [نمل: ۹ و ۱۰]: ... ای موسی! نترس؛ زیرا رسولان نزد من نمی ترسند. البته این ندا در لفظ بدون واسطه است، و گر نه در نزول تمام آیات قرآن، پیامبر (ص) واسطه‌ی میان کلام وحی و مردم بوده است.

ندای بی واسطه نشانه‌ی آن است که بین خدای سبحان و انسان، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد و خداوند انسان را به طور مستقیم مورد لطف قرار می دهد. ولی انسان غافل یا جاهل به سوء اختیار خود، رابطه‌ی خویش با خدا را قطع یا ضعیف می کند و از لطف الهی محروم می شود. ندا‌ها و خطاب‌های قرآن به زمان و افراد خاصی اختصاص ندارد، بلکه در همه‌ی دوره‌ها و برای همه‌ی اعصار و نسل‌ها زنده و حاضر است. از این رو گفتن «لَیْکَ» هنگام خطاب «یا ایها الذین آمنوا» از آداب تلاوت قرآن است و این نشانه‌ی مستقیم و زنده بودن ندا‌های قرآنی است؛ و گر نه لَیْکَ گفتن به ندایی که زمانش سپری شده باشد،



# اولی العلم

در بیان معنی های لطیفی مانند: «کَلُوا وَارْعُوا تَعْمَلُكُمْ» [طه: ۵۲] هم خودتان بخورید و هم چهار یایان را در آن به جرا ببرید، یا: «مَنَعَاكُمْ وَلِتَعْمَلُكُمْ» [عین: ۳۲] تا وسیله ای برای بهره گیری شما و چهار یایان باشد، از آن ها یاد می کند. مرحله ی متوسط خطاب «یا ایها الذین آمنوا»، و بالاتر از آن «اولی العلم» و «اولی الابصار» است که مخاطب خداوند مؤمنان هستند. بنابراین خداوند ربوبیت خود را در قالب ذکر نعمت های معنوی و باطنی مانند: ارسال رسل، انزال کتب، نبوت، امامت، ولایت و... بیان می کند که انسان در این مرحله از خطاب در ردیف فرشتگان قرار می گیرد [جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۲، ص ۳۹۵، ۱۳۷۸].

چنان که در آیه ی شریفه ی «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ...» [آل عمران: ۱۸]، خداوند با ایجاد نظام واحد جهان هستی گواهی می دهد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش هر کدام به گونه ای بر این مطلب گواهی می دهند؛ در حالی که خداوند در تمام عالم، قیام به عدالت دارد. لذا سخن از شهادت بر وحدانیت حق است و انسان در ردیف فرشته قرار گرفته است. و بالاخره عالی ترین مرحله ی خطاب و ندا «یا ایها الرسول» و «یا ایها النبی» است که وجود مقدس پیامبر اسلام (ص)، مورد خطاب خدای سبحان قرار گرفته است.

## رایج ترین ندا و خطاب در قرآن

معمول ترین خطاب در قرآن کریم، همان خطاب به مؤمنان است که با تعبیر «یا ایها الذین آمنوا...» شروع می شود. این تعبیر در قرآن کریم ۸۷ مورد ذکر شده که نخستین آن آیه ی «یا ایها الذین آمنوا لا تقولوا رعنا و قولوا انظرونا واسمعوا...» [بقره: ۱۰۴] و آخرین آن آیه ی «یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبه

نصوحاً» [تحریم: ۸] است. این تعبیر منحصر در آیاتی وجود دارند که در مدینه نازل شده اند و در آیات مکی اثری از آن نیست؛ شاید به این دلیل که با هجرت پیامبر (ص) به مدینه، وضع مسلمانان تثبیت شد. به صورت یک جمعیت ثابت و صاحب نفوذ درآمدند و از پراکندگی نجات یافتند. لذا خداوند آن ها را با عبارت «یا ایها الذین آمنوا...» مخاطب قرار داده است.

این تعبیر، ضمناً نکته ی دیگری در بر دارد: حال که شما ایمان آورده اید و در برابر حق تسلیم شده اید و با خدای خود پیمان اطاعت بسته اید، باید به مقتضای این پیمان به دستورهای که پشت سر این جمله می آید، عمل کنید. به بیان دیگر، ایمان شما ایجاب می کند که این دستور را به کار بیندید.

شایان توجه این که در بسیاری از کتب اسلامی، از جمله منابع اهل تسنن، از پیامبر (ص) چنین نقل شده است که فرمود: «ما أنزل الله آیه فیها (یا ایها الذین آمنوا) الا وعلی رأسها و امیرها»: خداوند هیچ آیه ای از قرآن که (یا ایها الذین آمنوا) در آن باشد، نازل نکرده، مگر این که حضرت علی (ع) رئیس و امیر آن است. یا به عبارت دیگر، یکی از مصادیق بارز و مخاطبان آیه ی «یا ایها الذین آمنوا...» حضرت علی (ع) است [مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۳۸۷-۳۸۶، ۱۳۶۶].

## وجوه خطاب و ندا

خطاب های قرآن از لحاظ ساختار و نوع جمله بیش تر در قالب: امر، نهی، شرط، تعجب، استفهام، ندا، خبر و... بیان شده اند. ابن الجوزی در کتاب «النفیس» گفته است که خطاب در قرآن ۱۵ وجه دارد [سیوطی، ج ۲، ص ۱۱۱، ۱۳۶۳]. دیگر علمای علوم قرآنی گفته اند که خطاب های قرآن بیش از ۳۰ وجه دارد که در ادامه به اکثر آن ها اشاره می کنیم:



۱. خطاب عام که منظور از آن عموم مردم است: «یا ایها الناس انا خلقناکم...» [حجرات: ۱۳].

۲. خطاب خاص که منظور از آن فرد یا گروهی خاص است: «یا ایها الرسول بلغ...» [مائده: ۶۷].

۳. خطاب جنس، مانند: «یا ایها الانسان ما غرک...» [انفطار: ۶].

۴. خطاب نوع، مانند: «یا بنی اسرائیل اذکروا...» [بقره: ۴۷].

۵. خطاب عین، مانند: «یا موسی لا تخف...» [نمل: ۱۰].

۶. خطاب مدح، مانند: «یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلوة...» [بقره: ۱۵۳].

۷. خطاب ذم، مانند: «یا ایها الذین کفروا لا تعجلوا بالیوم...» [تحریم: ۷].

۸. خطاب تکریم، مانند: «یا ایها النبی اتق الله...» [احزاب: ۱].

۹. خطاب خشم، مانند: «ذق انک انت العزیز الکریم...» [دخان: ۴۹].

۱۰. خطاب اهانت، مانند: «... کونوا قردة خاسئین» [بقره: ۶۵].

۱۱. خطاب جمع با لفظ مفرد، مانند: «یا ایها الانسان انک کادح...» [انشقاق: ۶].

۱۲. خطاب مفرد با لفظ جمع، مانند: «یا ایها الرسل کلوا من الطیبات» [مؤمنون: ۵۱] که این خطاب به پیامبر (ص) به تنهایی است؛ زیرا هیچ پیامبری معاصر و بعد از آن حضرت نبوده است.

۱۳. خطاب فرد به لفظ دو، مانند: «القی فی جهنم» [ق: ۲۴] که خطاب به نگهبان جهنم است.

۱۴. خطاب به دو تن با لفظ مفرد، مانند: «فمن ریکما یا موسی» [طه: ۴۹]؛ یعنی یا موسی و یا هارون و در آن دو وجه است. یکی این که فرعون خطابش را به تنهایی متوجه موسی گردانید، تا پرورش دادنش را یادآور شود. دوم این که او صاحب رسالت و معجزات بوده و هارون به تبع آن حضرت قرار داشته است.

۱۵. خطاب تهییج، مانند: «و علی الله فتوکلوا ان کنتم مؤمنین» [مائده: ۲۳].

۱۶. خطاب مهربانی، مانند: «یا عبادي الذین اسرفوا...» [زمر: ۵۳].

۱۷. خطاب محبت، مانند: «یا بنی انہا ان تک...» [لقمان: ۱۶].

۱۸. خطاب تعجزی، مانند: «فاتوا بسورة...» [بقره: ۲۳].

۱۹. خطاب تشریف و آن در هر جای قرآن که با خطاب «قل» آمده باشد.

۲۰. خطاب تکوینی، مانند: «ثم استوی الی السماء و هی دخان فقال لها وللارض ائتیا طوعا أو کرها» [فصلت: ۱۱] که این خطاب، خطاب تکوینی و متوجهی مجموعه‌ی نظام آفرینش است.

۲۱. خطاب انعام و یادآوری نعمت، مانند: «کلوا مما رزقکم الله» [مائده: ۸۸].

۲۲. خطاب تسویه، مانند: «اصبروا اولاً تصبروا» [طور: ۱۶].

۲۳. خطاب تکذیب، مانند: «قل هلکم شهداء کم الذین یشهدون ان حرم هذا...» [انعام: ۱۵۰].

۲۴. خطاب عبرت، مانند: «انظروا الی ثمره اذا اتمر...» [انعام: ۹۹].

۲۵. خطاب تعجب، مانند: «اسمع بهم و ابصر...» [مریم: ۳۸]، و خطاب‌های دیگر [سیوطی، ج ۲، ص ۲۶۰-۲۵۸، ۱۳۶۳].

